

# تیری به چشم اسفندیار

پایا راستگونیا



با فراز و نشیب های بسیار ، گاه به هیأت چانه زنی و گاه به شکل چالشگری و منازعه سرانجام سیر تحولات به سمت سویی در جریان است که شاید بتواند بالاخره برای نخستین بار در طول حیات نظام اسلامی بر جامع ایران ، این حکومت را به وضعیتی بی بدیل در گذشتن آن ، منتهی گرداند . نظام حکومتی که به لحاظ وضعیت داخلی نیز از جهت سیاسی و اجتماعی به چنین وضعی گرفتار آمده است و در بحرانی ترین دوران تاریخی به لحاظ مشروعیت و مقبولیت و حتی جدا از این مسأله ، به لحاظ قدرت تدبیر و به عبارت بهتر قدرت فریب و خدعه به سر می برد ، دوری اخیر بحرانی که از آخرین انتخابات ریاست جمهوری ، گریبانگیر دستگاه اقتدار گشته و با سیری شتاب زده عرصه را بر چاره جویی تنگتر و تنگتر ساخته است .

شاید و گویا ستار اقبال این دستگاه بعد از چند دهه ، از آسمان رو به افول است ، چرا که در اوج بد اقبالی ، در طول بیش از یک سال گذشته جرقه نا گهانی و یکبار اتفاقات دگرگون کننده در منطقه نیز آتشی دیگری را از سویی دگر به دامن اندوخته های آن انداخته است ، و می رود تا خاکستر نزدیک ترین متحدان این حکومت را در این منطقه همواره بحران زده ، بر باد دهد .

اما در کنار هم این تحولات به واقع منحوس از دید این دستگاه ، حقیقت بر آن بوده است که تا به اکنون ، هنوز توانسته است حتی به رغم خزانی که آن را دچار ریزش های عدیده ساخته است و با وجود تمامی این هزینه های متحمل شده ، دوام آورده و برجای ماند . بدون اینکه نیازی باشد راز و رمز خارق العاده ای را در این میان جستجو گر بود ، باید تیغ و دندان برند ای قدرت عریانی را علت شمرد که حکومت بر مردمان بر کشیده است ؛ قدرت خشن سرکوب هر سخن مغایر و مخالف با فصل الخطاب نظام و در واقع ، اعوان و انصار پروار گشته ای که او را در حال کور کننده ای از اوهام ، در محاصر قرار داده اند .

اما در جستجوی علت و کند و کاو بدین منظور ، شایسته است که از بر کرسی نشانندن تنها این ظاهر اکنون کاملاً خشک و خشن فراتر رفت ، چراکه لاجرم هر قدرتی نیز باید به پشتوانه ای پشتگرمی داشته باشد

. چنین پشتوانه ای که بدین دستگاه در تبرّی از خواست و ارادۀ مردمان و نیز ارادۀ هر روز همگراتر شوند، جامعۀ جهانی و قدرت های بین المللی تا به اکنون فراغ بال بخشیده است چیست ؟ در این ارتباط مشروعیت مردمی که نه ، بلکه مشروعیت و در واقع تحمیق ایدئولوژیکی که شاید روزگاری عدّی ای را در دفاع از این نظام به میدان می آورد نیز اکنون به نازل ترین سطح خود در طول این بیش از سه دهه رسیده و لذا در شمار علل نتواند بود .

و در این میان اگر شماری نیز عربده کشان و پرده دران ، به میدان در آیند ، نه چندان چون برهه هایی در گذشته از سر جذبۀ باور ایدئولوژیک ، بلکه به واقع جذبۀ قدرتی است که منافع کلانی از قبیل آن و در پس آن حاصل آورده اند .

در تاریخ بسیار خواننده ایم که حاکمان و حکمرانان در گرد آوری ساز و بساط سپاهیان در حفظ و برقراری قدرت و در جنگ ها و سپاهیگری هایشان ، بر باج و خراجی تکیه داشته اند که از گردن بندگان و رعایای خویش می کشیدند . و گاه تنگناهای کار و زار و جنگ ، این قدر قدرتان را بر آن می داشت که چنان در این باج ستانی شدت ورزند ، که سرانجام مردمان به تنگ آمده سر به شورش و تمرّد بر می داشتند و این خود لوازم فروپاشی حاکمان را فراهم می ساخت .

بدیهی است که اردوکشی ها و به راه انداختن دسته های حامی و طرفدار و حاضر در هم، این سرکوب ها ، از سوی این ذوب شدگان در ولایت و در سلسله مراتبی که از آنها تدارک دیده شده است و به طور کلی تجملات بی حد و حصر دستگاه بدین منظور نیز برای نظام اسلامی هزینه های عینی و مادی ضروری خاص خویش را طلب می کند به علاوه هزینه های اجتناب ناپذیری که می باید صرف نمایش هایی گردد که دولت به منظور نشان دادن رفع و فتق امور مادی جامعه و در واقع اقلیت استیلا یافته بر ثروت های مادی و اقتصادی و بخشی نیز در قالب طرح های گدا پروری اکثریت ، به صحنه می آورد .

بدیهی است که در اینجا چشم ها و بصیرت ها متوجه آن خوان نعمتی که می باید اسباب این اردو پروری ها و نمایش ها و آن فراغ بالی که از آن سخن رفت ، باشد ، می گردد . شریان حیاتی که در بیش سه دهه از ترکتازی های حکومت در عرصۀ داخلی و بین المللی برقرار و متداوم بوده است . نفت ؛ همان ماده ای که اقتصاد بیمار کشور بی آنکه گشایشی در حال و روزش یافته باشد بر آن تکیه تام و تمام داشته و به واقع در حکم مسکنی جایگزین چاره ای اساسی ، هم عامل نشئ

پیکر هر روز نحيفتر شد □ جامعه بوده و هم ستبري بازوان هر روز  
قطرتر شد □ قدرت ناشنواي سرکوب و خشونت .

فارغ از مناسبات و مراتب مادي و مالي تشکل يافته در نظام کنوني ،  
که به برکت فساد همواره نافذ و پر ريشه و برگ در غالب نظام هاي  
استبدادي ، اسباب تنعم و ارضاء و اقناع طبقات متمکن هم قدرتمدار  
را فراهم آورده است ، هر گونه مانعي در مسير حرکت اين شريان  
حياتي لاجرم بايد بتواند نظم اوضاع را متزلزل ساخته و در صورت  
دوام سامان نظام را به تشويش و آشفتگي دچار سازد ، چرا که در  
شرایط و اوضاع اکنوني کشور نمی توان جاگزینی را به عنوان عامل  
احياء کنند □ امورات مادي نظام سياسي ، در حد و اندازه و جاگاهي  
که طلای سياه از آن برخوردار است سراغ گرفت ، اين فرض در شرایطی  
که بي تدبيري اقتصادي حکومت ، گريبانگير اکثريت در تنگنا گرفتار  
آمد □ جامعه گشته و فرسودگي و زوال ، چرخ هاي اقتصاد را مستهلک تر  
از همیشه ساخته است ، آن هم در ساي □ حماقت هاي تاريخي دولت  
مهرورز حاضر ، می تواند فرضي عبث حساب آيد .

آنچه آشکار است اينکه دامن □ ماجرا جویی هاي جمهوري اسلامي تا به  
حد در بر گرفتن تحريم هاي روز افزوني گسترش يافته است که در تقارن  
با اتحاد بين المللي افزايش يابنده در نتيجه □ اين ماجراجویی و در  
واکنش بدان می رود تا اصلي ترين امکانات حياتي قدرت را در عرصه □  
اقتصادي ، مورد هدف و در دستور برنامه □ عملياتي عليه حکومت اسلامي  
قرار دهد .

تحريم عليه اين حکومت البته موضوع تازه و بديعي نيست ، ام<sup>۳</sup>ا بدعت  
کار به شرایط زماني و تاريخي از یک سو و مسأله اي که هم □ اين  
جنگال ها و خطر آفريني ها در آن ارتباط صورت می گيرد از ديگر و  
نيز اکنون دامنه و شدت اين تحريم ها باز می گردد .

در طول حيات و استيلاي نظام اسلامي ، اين نظام از همان سال هاي  
نخست تا کنون در مقاطع تاريخي مختلف شاهد و متحمل تحريم هاي  
نظامي و غالباً اقتصادي به خصوص از سوی ايالات متحده بوده است .  
که با توجه به استيلا و نفوذ اين کشور بر مناسبات اقتصاد جهاني و  
روابط استراتژيک متقابل آن با بسياري از کشورها در جهان و منطقه  
، تأثيرات مخل و مختل کننده اي را در زمينه □ اقتصادي و بالطبع  
سياسي براي حکومت ايران در پي داشته اند . ( از جمله □ اين موارد می  
توان در همان سال نخست روی کار آمدن حکومت به واکنش آمريکا به  
مسأل □ گروگانگيري اشاره نمود که منجر به تصميم رئيس جمهور وقت

آمریکا (کارتر) در انسداد اموال و دارایی های دولت ایران در نوامبر ۱۹۷۹ گردید . در اکتبر ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) دولت آمریکا دور دیگری از تحریم های تجاری و اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی به اتهام حمایت از تروریسم وضع نمود . همینطور در سال های ۱۹۸۷ ، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تحریم هایی در زمین<sup>۱</sup> خریداری کالاهای اقتصادی و خدمات از ایران و سرمایه گذاری شرکت های آمریکایی و نیز غیر آمریکایی در پروژه های نفتی ایران از سوی دولت آمریکا وضع گردیدند . ( در این زمینه باید خاطر نشان کرد که غالب این تحریم ها با وجود هزینه های گزافی که بر حکومت ایران تحمیل نمودند ، به جهت بستر تاریخی ، به عنوان مثال فضای منازعه آمیز بین المللی بین ابرقدرت ها و بلوک های شرق و غرب در ده<sup>۲</sup> نخست انقلاب و عدم وفاق و اتحاد لازم در این ارتباط ، نتوانستند مانع باز دارنده ای در پیشگیری از ماجراجویی های بعدی دولت اسلامی گردند .

دور کنونی تحریم ها بر سر طرح و برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی آغاز و با امتناع آن از بر آوردن خواست بین المللی در آشکار ساختن این طرح ها ، عدم اجاز<sup>۳</sup> نظارت سازمان های بین المللی بر فعالیت های هسته ای و عدم توقف غنی سازی هسته ای ، همچنان تداوم یافته است . روندی که به رغم دوره های مختلفی از چانه زنی و مذاکره و ارائه مشوق ها و بسته های پیشنهادی و ... همچنان نه به وانهادن امتناع از یک طرف منازعه و نه به کوتاه آمدن از اصرار از سوی طرف دیگر انجامیده است . و با توجه با اهمیت بی بدیل موضوع منازعه در ارتباط با تهدید حیاتی آن در رابطه با برخی کشورها و اهمیت آن در تحدید امکانات قدرت در منطقه در رابطه با برخی دیگر ، به تصمیمات جدی برای مقابله با این اقدامات جمهوری اسلامی انجامیده و تحریم های رو به گسترش حاضر نیز مرحله از این مراحل بوده است .

در رابطه با این تحریم ها ام<sup>۴</sup> آنچه می تواند وضع را به گونه ای دیگر رقم زند و از هم<sup>۵</sup> اقدامات گذشته تا اکنون تأثیر بسیار افزونتر و یا بی بدیلی را در رابطه با جمهوری اسلامی در پی داشته باشد ، تحریم خرید و واردات نفت از ایران در ادام<sup>۶</sup> سلسل<sup>۷</sup> تحریم های شدیدی است که اقتصاد نظام اسلامی را تا همین نقطه حال حاضر ماجرا ، با تشویش و تزلزل در هم کوبنده ای روبرو ساخته است . تحریم این کالای اساسی به عنوان شریان حیاتی اقتصاد ایران و به واقع شریان اقتصادی نظام سیاسی مستولی بر مقدرات جامع<sup>۸</sup> ایران و دستگاه و بارگاه پر هزینه آن ، می تواند سخته و توقفی اثر گذار

را تداوم وضع موجود و فراغت قدرت از دغدغه‌های حیات و معاش و عدم پاسخگویی و اعتنا به شهروندان، با توجه به اوضاع مشوش مترتب بر آن در پی داشته باشد.

و باز در ارتباط با این تحریم‌های به عمل آمده و به خصوص تحریم در شرف اعمال نفت، آنچه به ویژه در شرایط زمانی حال حاضر از اهمیت بیشتری در مقایسه با مقاطع زمانی پیشین برخوردار است، اتحاد و وفاق رو به افزایشی است که در عرصه بین‌المللی و قدرت‌های مؤثر این عرصه وجود داشته و هر روز بر شمار آنها افزوده می‌شود. این وفاق می‌تواند هم از این زاویه بررسی و سبب‌یابی گردد که با توجه به امکان وقوع وضعیت بغرنج‌تر و غیر قابل کنترل‌تری چون جنگ، در جهت تغییر وضع حاضر گزینه و امکان به مراتب معقول‌تر و مشروع‌تری محسوب گردیده و به عنوان عامل پیش‌گیرنده‌ای در این مورد، یعنی وقوع جنگ به شمار آید.

در ادامه آنچه باید مورد توجه قرار اینک، در هر چشم‌اندازی برای تغییر شرایط سیاسی در ایران فارغ از وضعیت بین‌المللی و به تبع آن داخلی کنونی، در هر مقطعی از زمان، باید عامل اقتصادی و به عبارت دیگر عامل قدرت اقتصادی نظام سیاسی را نیز در معادلات چاره‌جویانه منظور شده و طرح و تدبیرها بدین منظور مد نظر قرار داد. در بسیاری از اعتراضات و انقلابات و جنبش‌های سیاسی، فشار اقتصادی بر دولت‌ها خود بخشی از تدبیرها را در این زمینه شامل می‌گردد، اعتراضات و اعتصابات با اهداف خاص اقتصادی، در بسیاری از مقاطع تاریخی و بسیاری از کشورها، در تکمیل حرکت‌های سیاسی، به تغییر وضع انجامیده‌اند. اما آنچه در این زمینه اسباب اختلاف و تفاوت را برای کشوری چون ایران در مقایسه با بسیاری دیگر از کشورها فراهم ساخته است، ویژگی‌ها منحصر به فرد کالایی چون نفت به عنوان منبع معاش کشور و به ویژه حیات اقتصادی نظام سیاسی است، که تا به حدی امکان قرار گرفتن آن را در تدبیرهای مطرح در زمینه حرکت‌های اعتراضی شهروندان، مشکل ساخته است.

اما شاید شرایط در شرف وقوع در این رابطه در عرصه بین‌المللی بتواند اسباب این تمکن اقتدار اقتصادی حکومت را با مخاطر جدی روبرو ساخته و با گرفتن امکانات تنعم مادی حکومت هم از تأمین این امکانات در جهت تداوم اختناق و استبداد کاسته و هم با تعمیق بحران اقتصادی عامل اختلاف‌زای دیگری را به جمع اسباب اختلاف و منازعه کنونی، در خود دستگاه قدرت، فراهم آورد و هم لاجرم شرایط بحران بی‌سابقه اقتصادی حکومت، آن را از سریر فراغت حاضر از

مردمان فرو کشاند .

۲۴\۰\۲۰۱۲